

«هو الحکیم»

عنوان:

نمونه های از تأویلات استبانه قرآن



دکتر باقر پورکاشانی

اللَّهُ عَلَيَّكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

فصوص الحکم از مهم‌ترین کتاب‌های ابن عربی هست، و شاید می‌شه گفت ایشان مظهر عرفان نظری هست دیگه! این عرفانی که هست از ایشان خط می‌گیرن! در این کتاب تا دل‌تون بخواد شروح مختلف نوشته شده.

به يك قسمتی می‌رسه: فَصَّ نُوحِيه؛ به اسم يك سری از انبیاء فصل‌بندی کرده؛ مثلاً فَصَّ در مورد آدم، در مورد شیث، در مورد نوح، در مورد تك تك انبیاء تا وجود مقدس حضرت خاتم. در صفحه‌ی ۶۲، فَصَّ نُوحِيه؛ عبارت رو اول بخونم بعد ترجمه کنیم:

و صَاحِبِ الْحَرَكَةِ الدَّوْرِيَّةِ لَا بَدْءَ لَهُ فَيَلْزَمُهُ «مِنْ» وَ لَا غَايَةَ فَتَحَكُّمُ عَلَيْهِ «إِلَى»، فَهِيَ الْوُجُودِ الْأَتَمُّ وَ هُوَ الْمَوْتِيُّ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ الْحِكْمِ. «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ» فَهِيَ الَّتِي خُطَّتْ بِهِمْ فَغَرَقُوا فِي بَحَارِ الْعِلْمِ بِاللَّهِ، وَ هُوَ الْحَيْرَةُ؛ «فَادْخُلُوا نَارًا» فِي عَيْنِ الْمَاءِ.

ببینید من اول آیهی قرآن رو بخونم؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی نوح
 آیه‌ی ۲۵: «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا» می‌گه آری، سرانجام، همگی به خاطر
 گناهان‌شان غرق شدند. یعنی قوم نوح به خاطر گناهانی که
 کردن مشمول عذاب واقع شدند و غرق شدند و در آتش
 دوزخ وارد شدند. وقتی مردن عذاب شدن تو برزخ رفتن تو
 دوزخ. و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند. یعنی اون بت‌هایی
 که می‌پرستیدند اون‌هایی که قبول داشتند، این‌ها هیچ کدوم
 نتونست این‌ها رو کمک بکنه! این‌ها غرق شدند بعد هم تو
 جهنم قرار گرفتند. این آیه‌ی قرآن دیگه از این واضح‌تر خدا
 چه طوری می‌خواد بگه؟! حالا ببینید ابن عربی چه طوری میاد
 می‌گه: «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ»؛ می‌گه به سبب خطاهایشان یعنی آن
 چیزی که آن‌ها را در دریای علم به خدا راند و غرق شدن و
 آن عبارت از حیرت بود. «فَأَدْخَلُوا نَارًا» و به آتش در شدند.
 یعنی در آب شدند؛ وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ سَجَّرَتِ النَّوَارُ إِذَا
 أَوْقَدَتْهُ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا فَكَانَ اللَّهُ عَيْنَ أَنْصَارِهِمْ
 فَهَلَكُوا فِيهِ إِلَى الْأَبَدِ. فَلَوْ أَخْرَجَهُمْ إِلَى السَّيْفِ، سَيْفِ الطَّبِيعَةِ
 لَنُنَزَّلَ بِهِمْ عَنِ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَ إِنْ كَانَ الْكُلُّ لِلَّهِ وَ بِاللَّهِ بَلٌ
 هُوَ اللَّهُ

این آیه در سوره‌ی مبارکه‌ی تکویر آیه‌ی ۶: «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ»
و چون دریا آتشین شد به تعبیری برافروخته شد، وقتی که تنور
را برافروختی آتشین شد. بعد بقیه‌ی اون آیه‌ای که در سوره‌ی
مبارکه‌ی نوح آیه‌ی ۲۵ هست میاره:

«فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا» می‌گه برای خویش جز
خدا یاورانی نیافتند، بنابراین خداوند عین یاران‌شان بود، لذا تا ابد
در او هلاك و فانی گشتند. پس اگر آنان را به ساحل، یعنی
ساحل طبیعت بیرون آورد، هر آئینه با ایشان از این درجه‌ی بلند
فرود می‌آید؛ اگر چه کل برای خدا و به خداست، بلکه آن کل
خداست. ببینید این ترجمه هم داره، ترجمه رو من خودم نکردم
تعمداً! این ترجمه رو یکی از اساتید، تصحیح و ترجمه آقای محمد
خواجوی؛ متن عربی رو يك طرف آورده ترجمه‌اش هم آورده. آیه
چی بود؟ می‌گه همگی به خاطر گناهان‌شون غرق شدند. می‌گه
این‌ها در دریای علم خداوند غوطه‌ور شدند! آیه می‌گه که این‌ها
به خاطر گناهان‌شون غرق شدند قوم نوح! می‌گه نه! این‌ها در
دریای علم خداوند غوطه‌ور شدند!! بعد می‌فرمایند چی؟ در
آتش دوزخ وارد شدند و جز خدا یاورانی نیافتند. می‌گه که سر
آخر چی؟ می‌گه آقا این‌ها فانی فی‌الله شدند! این‌ها مندرک در ذات
ربوبیت شدند!

وقتی که يك نفر به خدا می‌رسد و اصل به خدا می‌شود، خدا می‌شود! غرق در علم خدا می‌شود! غرق در ذات خدا می‌شود! دقت بکنید: بنابراین خداوند عین یاران‌شان بود لذا تا ابد در او هلاک و فانی گشتند. پس اگر آنان را به ساحل یعنی ساحل طبیعت بیرون آورد، هر آئینه با ایشان از این درجه‌ی بلند فرود آید، اگرچه کل برای خدا و به خداست بلکه آن خداست! چیزی هم وجودی هم غیر از وجود خدا نیست! حالا ببینید این يك آیه‌ی واضحی هست، تاریخ انبیاء، شیعه و سنی نداره، همه گفتن آقا این قوم نوح، این‌ها تخلف کردند؛ چه پسرش چه همسرش، این‌ها هلاک شدند. جناب ابن عربی چه جوری این آیه رو معنی می‌کنه؟ می‌گه این‌ها در علم خدا غرق شدند! این‌ها فانی فی‌الله شدند! یعنی بالاترین درجه‌ی فانی فی‌الله در عرفان! چه کسانی؟ قوم نوح! اون‌هایی که نوح رو سنگ می‌زدند! اون‌هایی که به نوح فحش می‌دادند! اون‌هایی که نوح رو اذیت می‌کردند! اون‌ها مستغرق در ذات خداوند شدند!! يك حرف‌هایی رو می‌زنند آدم می‌گه يك آدم معمولی بزنه! يك کسی که الان مظهر عرفان اسلامی این آقا است! یعنی حوزه و دانشگاه بخوان بگن شخصیت اول عرفان اسلامی کیه؟ می‌گن ابن عربی!

یا همون ماجرای که بارها من تو بحث‌ها گفتم؛ ماجرای
گوساله‌پرستی قوم موسی و مواجهه‌ی حضرت موسی با هارون.
قرآن می‌گه موسی وقتی که غیبتش به طول انجامید، آمد و
دید این‌ها گوساله‌پرست شدن، ریش هارون رو گرفت که این
چرا این‌طوری شده؟! این‌ها چرا گوساله‌پرست شدن؟! ابن عربی
می‌گه نه! این آمد ریش هارون رو گرفت برای چی؟ تو چرا
مانع گوساله‌پرستی شدی! یعنی ببینید دقیقاً مخالف! موسی تمام
غضبش پیامبر خدا هارون ریشش رو میاد می‌گیره غضبناک
هست که آقا ما ده روز دیر کردیم، این‌ها گوساله‌پرست شدن؟
ابن عربی می‌گه نه! موسی با هارون که مواجهه کرد چون هارون
مخالفت کرد با گوساله‌پرستی! این قدر موسی غضبناک شد گفت
تو چرا مانع گوساله‌پرستی شدی؟! فَاِنَّ الْعَارِفَ مِنْ يِرَالْحَقِّ فِي كُلِّ
شَيْءٍ بَلْ يَرَاهُ عَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ! عَارِفٌ هَرَّ جِي رُو كِه مِي بِيْنِه خدَا رُو
مِي بِيْنِه، بَلَكِه هَمِه چيز رُو عَيْن وجود خدا می‌بینه!

دقیقاً مقابل! خب ببینید با قرآن این کار رو می‌کنن! ایشون
هفتصد سال پیش این کار رو کرده بقیه هم نگاه می‌کنن يك به
يك هر کدوم با يك آیه ور می‌رن! چی باقی می‌مونه از دین؟!
بعدش هم این‌ها که ما این‌طوری معنی می‌کنیم می‌گن شما قشری
هستین! شما ظاهری هستین! شما ملا نقطی هستین عربیش رو
معنی می‌کنین!